

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۶ ماه می ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

## دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۹

قصائد

-۲۵-

## بار دگر در مدح شهزاده محمود<sup>۱</sup>

شورش عشق تو، هنگامه محشر شکند  
در چمن سرو رسایت، چو خرامان گردد  
جزع<sup>۲</sup> مخمور تو چون مست شود از می ناب  
از تبسم لب لعلت، چو شکرریز شود  
عکس روی تو در آئینه چو پیدا گردد  
گر به گلشن گذری، وقت سحر، بلبل را  
تُرک مست قدرانداز تو، هنگام نگاه  
چشم مستت به نگاهی صف لشکر شکند  
رونق سرو بَرَد، قد صنوبر شکند  
ساغر رز به چمن، در کف عبهر شکند  
آب یاقوت شود<sup>۳</sup>، قیمت شگر شکند  
بر فلک، رونق بازار دوپیکر<sup>۴</sup> شکند  
هوس دیدن گل، بوی تو در سر شکند  
دل صد تُرکِ کماندارِ دلاور شکند

<sup>۱</sup> "در اصل کتاب "ایضاً" آمده است، که مصحح پورتال عنوان بالا را به جای آن گذاشت  
<sup>۲</sup> "جزع" نام یکی از سنگهای قیمتی ست، که در معدن عقیق یابند؛ ولی درینجا کنایه از "چشم" است، که از می رنگش سوخ شود  
<sup>۳</sup> "شود" درینجا مراد از "رود" است  
<sup>۴</sup> "دوپیکر": نام برج سوم از بروج فلکی

نوبت حسن بزن حین، که سپاه خط تو  
مشکن از غم دل آن طوطی گویا که، مدام  
گوهر بحر شهنشاه معظم، "تیمور"<sup>۵</sup>  
آسمان کوکبه شهزاده عادل "محمود"<sup>۶</sup>  
آن، که گر<sup>۷</sup> هیبت او بانگ زند بر گردون  
جوید او پرده صد حاتم و قآن پدرد  
شحنه تقوی<sup>۸</sup> او، سوی فلک گر نگرد  
حاجب بارگه او ز سر استقبال  
به غضب گر نظری جانب گردون فگند  
ای جوانبخت، که رأی تو به برهان درست  
سایه چتر همایون تو هر جا، که فتد  
از دل زنگی شب فر تو، ظلمت پبرد  
از پی غالیه بزم تو، در مجمر چرخ  
پیش کتاب تو، مستوفی دیوان سپهر  
روز پیکار، که از صدمه گرز و تف تیغ  
در تن پیل تنان تیر تو، خفتان دوزد  
خون ز سهم تو چنان خشک شود در تن خصم  
پیش یاجوج بلا، عزم تو چون باره کشد  
طوطی ناطقه را عرصه مدح تو ز وسع  
از پی مدح تو شاها، چو قلم برگیرم  
مطرب این نظم روان گر بسراید به سرود  
تا بناهای فلکسای جهان را به جهان

قصر اقبال ترا باد بقاء، آن مقدار

که به فرمان قضا، سقف فلک، در شکن

<sup>۵</sup> "تیمور" مراد از "شاهنشاه تیمورشاه ابدالی" ست

<sup>۶</sup> "افسر"؛ یعنی "تاج"

<sup>۷</sup> "محمود" مراد است، از "شهزاده محمود"، پسر تیمورشاه، که دوبار به شاهی هم رسید و "شاه محمود" گردید

<sup>۸</sup> "محمود"، منظور از "سلطان محمود غزنوی" ست

<sup>۹</sup> در اصل نسخه حاضر "کز" بوده، که جهت دادن ارتباط منطقی مصراع در بیت، از طرف مصحح پورتال به "گر" تصحیح گردید.

<sup>۱۰</sup> "تقوی" : مخفف ترکیب "تقوای" است، که جهت مراعات وزن همین طور باید نوشته و تلفظ گردد

<sup>۱۱</sup> "حَدَبَه" : اصلاً به سه فتح اول و در معنای "برآمدگی" ست، اما در اینجا به سکون حرف دوم تلفظ می گردد

<sup>۱۲</sup> ب. غضنفر

<sup>۱۳</sup> "معجز" : در معنای "چادر"